



عکاسی (Photography) از دو واژه یونانی نور (photo) و ثبت کردن (graphing) گرفته شده است به عمل ثبت تصاویر روی موادی حساس با کمک نور و پرتوافشانی عکاسی گفته می‌شود اما این فرایند بعدها تغییر شکل داد. سرجان فدریک ویلیام هرشل - دانشمند انگلیسی - در سال ۱۸۳۹ برای نخستین بار از واژه Photography - عکاسی - استفاده کرد. اولین عکس در آوریل سال ۱۸۲۷، توسط ژوزف نیسپور نیپس مخترع فرانسوی با یک دوربین سوزنی گرفته شد. عکس وی برای ظاهر شدن باید ۸ ساعت در معرض نور قرار می‌گرفت و پس از مدت کوتاهی نیز نقش تصویر از بین می‌رفت. و ۳۰ آوریل نیز به نام عکاسی پین هول نامگذاری شده است

### پرونده‌ها:

آشنایی با هنرهای تجسمی / آشنایی با مکتب‌های عکاسی / آشنایی با مکاتب هنرهای تجسمی / چطورهای عکاسی / آشنایی با هنر گرافیک / زندگینامه هنرمندان نقاش / زندگینامه هنرمندان گرافیک / زندگینامه هنرمندان خوشنویسی و نقاشیخط / زندگینامه هنرمندان معمار / زندگینامه هنرمندان مجسمه ساز / زندگینامه هنرمندان عکاس / زندگینامه هنرمندان تجسمی / خاطره‌سازی با دوربین عکاسی / بهترین دوربین عکاسی جهان را بشناسید / شباهت یا حقیقت واقعی / دوربین هیچ‌وقت دروغ نمی‌گوید؛ عکاس شاید / فتوژورنالیزم چیست؟ / عکس عریض برای تشخیص برنده / دوربین‌های دیجیتال، عکاسی را همگانی کرد / دوربین‌های دیجیتال حرفه‌ای در دستان آماتورها / آیا دیجیتال عکاسی را می‌کشد؟ / دوربین فقط یک وسیله است عکاسی دارای ۳ جنبه علمی، صنعتی و هنری است. عکاسی به‌عنوان یک پدیده علمی متولد شد و به‌شکل یک صنعت گسترش یافت و همچنین جنبه‌های هنری نیز در آن ظهور کرد. صنعت عکاسی روی کاغذ حساس در سال ۱۸۳۹ میلادی بوجود آمد و در سال ۱۸۴۱ میلادی پلاک‌های شیشه برای عکاسی اختراع شد.

### تاریخچه عکاسی در ایران

پس از اعلام عکاسی در سال ۱۸۳۹ میلادی با وقفه ای حدود ۵ سال یعنی در اواخر حکومت محمد شاه قاجار و اوایل حکومت ناصرالدین شاه، عکاسی وارد ایران شد. آغاز عکاسی در ایران به دوران قاجار و سلطنت ناصرالدین شاه باز می‌گردد از عکس‌های موجود این دوران می‌توان به بخشی از راه و رسم زندگی آن زمان پی برد. در بدو پیدایش عکاسی، محدودیت‌های فنی عکسبرداری موجب می‌شد تا عکسبرداری از ابنیه و عمارات رونق پیدا کند. تمایل واقعی ناصرالدین شاه به ترویج عکاسی در ایران باعث شد تا در آن دوران تعدادی از محصلان مستعد دارالفنون برای کسب مهارت‌های فنی و اطلاعات هنری به اروپا اعزام شوند. دوربین‌های عکاسی نیز تنها در دسترس درباریان خاص که آشنا به فن عکاسی بودند و بیشتر آنها لقب عکاس‌باشی داشتند قرار می‌گرفت. ناصر الدین شاه را از جمله اولین عکاسان ایرانی می‌دانند. آنچه از یادداشت‌های شخصی او به دست آمده نشانگر آن است که وی با روش‌های علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربین‌های مختلف آشنا بوده و اغلب، از دوربین‌های بزرگ با ۳ پایه استفاده می‌کرده است. اولین دست‌اندرکاران عکاسی در ایران، اروپائیان از کشورهای فرانسه، اتریش و ایتالیا بودند که در مدرسه دارالفنون تهران به تدریس مشغول بودند. مدرسه فنی حرفه‌ای دارالفنون برای تربیت افسران، مهندسان، غیر نظامی، پزشکان و مترجمان توسط امیر کبیر تأسیس شد. اولین مجموعه عکس از آثار تاریخی ایران توسط لوئیجی پشه، سرهنگی از اهالی ناپل در سفر به ایران تهیه شد. نسخه دومی نیز از این مجموعه در همان سال تهیه و برای ویلیام اول، پادشاه پروس فرستاد شد.



### دسته‌بندی کلی دوربین‌های عکاسی:

دوربین‌های آنالوگ:

دوربین‌های آنالوگ به طور کلی به دوربینی انعکاسی گفته می‌شود که نور برای رسیدن به منظره یاب آن بایستی توسط آینه‌ای با زاویه ۴۵ درجه، شکستی معادل ۹۰ درجه پیدا کند.

دوربین‌های آنالوگ به دو گروه کلی تقسیم می‌شود:

دوربین‌های فانوسی: در این دوربین‌ها، بدنه یا اتاقک دوربین، یعنی فاصله میان لنز و محل قرار گرفتن فیلم، از یک فانوس چرمی آکاردئون شکل تشکیل شده است.

دوربین‌های بدون فانوس: در این نوع، لنز به وسیله ابزاری به نام مانت ۱، به بدنه دوربین که از جنس سختی ساخته شده است، متصل می‌شود.

دوربین‌های دیجیتال:

دوربین دیجیتال دستگاهی الکترونیکی است که برای گرفتن عکس و ذخیره آن بجای فیلم عکاسی از حسگرهای حساس به نور استفاده می‌کند و تصویر گرفته شده توسط سنسور طی چند مرحله به حافظه دوربین برای استفاده فرستاده می‌شود. در دوربین دیجیتال، تصویربرداری روی فیلم صورت نمی‌گیرد بلکه توسط یک حسگر حساس انجام می‌شود. هنر عکاسی در میان هنرهای کاربردی از ظرافت، دقت و اهمیت خاصی برخوردار است. عکاسی فی‌نفسه وسیله‌ای است که در آفریدن کار هنری از آن بهره گرفته می‌شود. عکاسی در عرصهٔ خلاقیت با هنر وجه اشتراک دارد؛ زیرا هرگونه کار عکاسی با دخالت ماهیتاً با دخالت نیروی تخیل انجام می‌شود. هر عکس، حتی یک عکس فوری که تصادفاً گرفته شده باشد، بازتابی از نوعی سازماندهی تجربه و ثبت یک صورت ذهنی است. به این ترتیب، موضوع و سبک هر عکس، از دنیاهاى درونی و بیرونی شخص عکاس خبر می‌دهد. دوربین معمولاً چیزی بیش از یک وسیله ثبت در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما عکاسی به‌هیچ‌وجه یک وسیلهٔ خنثی نیست. هر عکسی، تفسیر دوباره‌ای از جهان پیرامون ماست و ما را عملاً بر آن می‌دارد که این جهان را به شکلی جدید ببینیم.

### نخستین عکاس ایران را بشناسید

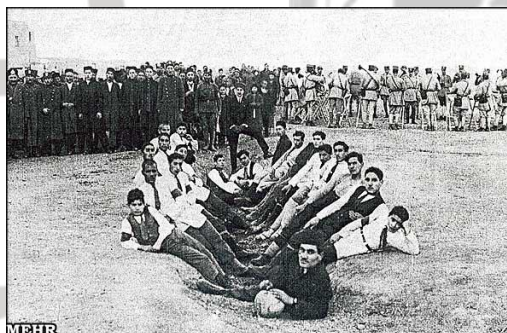
پیدایش عکس و دوربین عکاسی برای اولین بار در اواخر دوره حکومت محمد شاه قاجار توسط نظامیان و مستشاران اروپایی که به تهران رفت و آمد داشتند، گزارش شده است. عکس‌هایی که در ابتدا از تهران گرفته شده شامل عکس‌هایی از زندگی مردم و درباریان قاجار بود که متأسفانه نخستین عکس‌های برگرفته شده از ایران در موزه‌ها و مراکز فرهنگی خارج از کشور نگهداری می‌شود. با روی کار آمدن ناصرالدین شاه و علاقه وی به دوربین عکاسی، عکاسی از انحصار فرنگیان خارج شد و عکاسی را از شخصی فرانسوی به نام «مسیو کارلیان» آموخت. خودش به کار عکاسی، ظهور فیلم و چاپ عکس پرداخت. از جمله عکس‌های معروفی که ناصرالدین شاه از خود به جا گذاشته است، عکسی از مهدعلیا (مادرشاه) و زنان حرمسرایش است. وی به غیر از عکاسی از زنان و سوغلی‌هایش، از بناها، مناظر، شکارگاه‌ها، بیلاقات و زندانیان سیاسی عکس می‌انداخت. بسیاری از عکس‌هایی که ناصرالدین شاه از زندانیان سیاسی گرفته در آلبوم خانه کاخ - موزه گلستان نگهداری می‌شود و جمله «خودمان انداختیم» دیده می‌شود. پس از ناصرالدین شاه، سایر عکس‌های برجای مانده از دوران قاجار، عکس‌هایی از مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه، احمد شاه است که در حالت‌های مختلف

## تاریخچه عکاسی ایران

ایستاده، نشسته، سوار بر کالسکه اسب دیده می شود و کمتر عکسی از مناظر طبیعی در آن روزگار به ثبت رسیده است. با روی کار آمدن پهلوی اول، عکس های بجای مانده در آن دوران بیشتر از احداث، ابنیه عمارات، پل ها، ساختمان، دانشگاه، خیابان کشی، شهرسازی، پارک، دانشکده، مدرسه و قشون است ناگفته نماند که تا مدت ها ی مدیدی عکاسی در انحصار درباریان بود و آنها از عکس به عنوان وسیله ای جهت پیشبرد پاره ای از اهداف و مقاصد خاص خود استفاده می کردند و اگر در اوایل دوربین عکاسی فقط به منظور گرفتن عکس های یادگاری و نمایش مورد استفاده قرار می گرفت، به تدریج با استفاده از تکنیک های جدید عکاسی، عکس در زمینه های دیگر به کار گرفته شد. تا جایی که گروهی از درباریان برای تخریب چهره برخی از رجال سیاسی به دفعات عکس افراد مهم و سرشناس و یا دشمنان خود را با بدن حیواناتی نظیر سگ، گربه، الاغ و... مونتاژ و درمیان مردم توزیع می کردند عکاسی که در ابتدا برای تفنن شاه و درباریان به تهران راه یافت، بعدها وسیله ای شد تا عده ای از شاگردان ممتاز و با استعداد دارالفنون برای آموختن فن عکاسی به اروپا اعزام شوند و چند نفر از آنها بعد از مراجعت مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفتند و به عنوان عکاسباشی در دارالخلافه مبارکه ناصری مشغول به کار شدند و حتی برخی از آنها در مسافرت های داخلی و خارجی شاه را همراهی می کردند.

محمد رضا بیگی، نگارنده کتاب تهران قدیم، نام عده ای از عکاسباشیان پایتخت را به ترتیب قدمت و مسوولیت برشمرده است:

«حاج میرزا علی عکاسباشی - آقا رضای پیشخدمت (اقبال السلطنه)، عزیز خواجه (متصدی تاریخانه و ظهور عکس)، عباسعلی بیگ (ناظم عکاسخانه)، معتمدالسلطان (رییس عکاسخانه)، حسنعلی (عکاسباشی)، عبدالله قاجار (عکاسباشی مدرسه دارالفنون)، محمدحسین قاجار و میرزا جهانگیرخان. در این میان حسنعلی عکاسباشی و عبدالله قاجار از کسانی بودند که عکاسی را در اروپا آموخته بودند و به سایرین آموزش می دادند». اما تاریخ، عبدالله قاجار را پدر عکاسی ایران می شناسد و عکس های متعلق به دوران قاجار که توسط وی تهیه شده است باعث ترقی و پیشرفت وی در این رشته بیش از سایر رشته ها شد.



مردم تهران نسبت به این ابزار فرنگی و ماحصل آن آشنایی چندانی نداشتند. مشاهده تصویری از یک نفر که دقیقاً با واقعیت مطابقت داشته باشد امری بسیار حیرت انگیز و تعجب آور برای عامه مردم بود. متداول شدن عکس در میان مردم را باید از زمان اجباری شدن ثبت احوال در تهران و سایر شهرستان ها دانست. نخستین سجل احوال که در زمان آخرین شاه قاجار به مردم تکلیف شده بود ورقه ای بدون عکس بود. اما با روی کار آمدن پهلوی اول، دستور عکس دار شدن سجل داده شد و مردم اجباراً با عکس و عکاسی سر و کار پیدا کردند. مناظر مضحک عکس گرفتن ها برای ثبت احوال، ماجراهای خنده آوری را در تهران آن روزگار ایجاد کرده از آن جمله که برخی از مردم از دوربین عکاسی وحشت داشتند و حاضر به نشستن در جلوی آن نبودند یا اینکه خودشان را مجاله می کردند و یا با دست های شان صورت شان را می پوشانیدند در نتیجه عکاسان وقت زیاد را صرف ادا و اطوار های عامه مردم می کردند و با سخنان شان به آنها قوت قلب می دادند تا ترس شان از بین برود. به عنوان مثال اگر پیرمردی برای عکاسی می آمد و ترس داشت، عکاس به وی می گفت اگر دوست داری مسجد آبادی یا محله تان را ببینی، تکان نخور و داخل سوراخ دوربین را نگاه کن که الان آن منظره جلویت نمایان می شود و یا اگر جوان بود، عکاس از وی می پرسید که کدام یک از رفقاییت را دوست داری و وقتی جواب می داد، فلانی به او می گفت، چم نخور، اکنون دوستت را داخل دوربین می بینی. در اوان رواج صنعت عکاسی در تهران، تنها عکاسخانه تهران «عکاسخانه مبارکه دولتی» بود که همگان به آنجا راه نداشتند و بیشتر اشراف و اعیان به این عکاسخانه می رفتند. عکاسخانه مذکور در خیابان جبارخانه به مدیریت عباسعلی بیگ بود و قیمت عکس در این عکاسخانه بستگی به کوچکی و بزرگی عکس داشت. اما نخستین عکاسخانه عمومی تهران در خیابان علاءالدوله (فردوسی) گشایش یافت که متعلق به شخصی به نام «روسی خان» بود. بعد از وی نیز فردی به نام ماشاءالله اقدام به پرپایی عکاسخانه ای در بازار بین الحرمین کرد که به عکاسخانه بین الحرمین ماشاءالله شهرت داشت. این دو عکاسخانه مختص مردم عادی بود. زنان تهرانی به هیچ عنوان راضی نمی شدند که داخل عکاسخانه های عمومی بشوند و نامحرم از آنان عکس بیندازد. به دلیل عمومیت یافتن عکاسی در خانواده های اعیان و اشراف، چند نفر از زنان و دختران

## تاریخچه عکاسی ایران

نیز به تجربه کردن این صنعت نوظهور پرداختند و معروف ترین آنها که نامش به عنوان اولین عکاس زن ایران به ثبت رسیده، اشرف السلطنه همسر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه بود که عکاسی را از شاهزاده محمدمیرزا آموخته و راسا به فعالیت می پرداخت. اما نخستین زنی که به عکاسی عمومی پرداخت، خانم حداد بود که زنان برای گرفتن عکس به عکاسخانه وی در میدان شاهپور می رفتند. در تهران قدیم، عکس ها همگی در روز و توسط نور آفتاب برداشته می شد اما نخستین عکاسی که در شب عکس گرفت، جعفر خادم بود. ابتکار جالب وی به این صورت بود که پودر منیزیوم را در ظرف درازی ریخته و دو طرف پودر را به سر سیم لخت برق وصل کرد و با آماده شدن عکس، کلید برق را زده منیزیوم مشتعل و تولید نور درخشان می کرد در این هنگام فلاش به کار می افتاد، خادم نخستین عکس در هنگام شب را از چهارراه حسن آباد گرفت و به دلیل نبود رقیب، عکس شب بسیار گران و تقریباً سه برابر قیمت عکس های روز بود. این عکاسخانه به نام خادم با آویختن تابلویی به نام «عکاس شب و روز» باعث حیرت و اعجاز مردم شد. جعفر خادم که از دوستان رضاخان بود بعد از به سلطنت رسیدن وی به خدمت دربار او درآمد و عکاس مخصوص دربار شد و پسرش به نام علی خادم نیز بعدها جانشین پدرش شد قیمت عکس و شرایط پرداخت در آن دوران به این گونه بود که عکاس در ابتدا پیش پرداختی دریافت نمی کرد. بعد از تحویل عکس، پول را نقداً می گرفت. شش عکس شش در چهار فوری از یک قران تا دو قران و غیرفوری سه تا چهار قران و اگر همراه با کارت پستال بود برای مشتری پنج قران تمام می شد پیدایش عکاسی و رواج روش های گوناگون این فن در ایران، با اختلاف حدود سه سال از اعلام موجودیت عکاسی در فرانسه روی داده است. صنعت عکاسی بر روی کاغذ حساس در سال ۱۸۳۹ میلادی بوجود آمد و در سال ۱۸۴۱ میلادی پلاکهای شیشه برای عکاسی اختراع گردید و از قرائن موجود این اختراعات و همه انواع وسائل عکسبرداری دو تا سه سال پس از اینکه به بازار می آمد بطور هدیه بدست پادشاه ایران می رسید

### سال های آغازین

نخستین دستگاه های عکاسی به روش داگروتیپ، به درخواست محمد شاه قاجار از کشورهای روسیه و انگلیس به دربار ایران وارد شد. دستگاه های عکسبرداری روسیه که هدیه امپراتور بود، زودتر رسید و نیکلای پاولوفدیپلمات جوان روس که به این منظور تعلیم عکاسی دیده بود، این دستگاه ها را به تهران آورد و در اواسط دسامبر ۱۸۴۲ م مطابق پایان آذر ۱۲۲۱ ه. ش نخستین عکسبرداری در ایران را انجام داد. ملک قاسم میرزا شاهزاده ایرانی و ژول ریشار فرانسوی نیز از جمله پیشروانی هستند که در ایران، به شیوه داگروتیپ، عکسبرداری کرده اند. با اطلاعاتی که از کتاب مقالات گوناگون تألیف دکتر خلیل خان اعلم الدوله ثقفی از یادداشتهای ریشار خان، اولین عکاسی که اعتماد السلطنه از او نام برده حاصل می شود این است که اولین عکسبرداری بر روی صفحه نقره در سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تبریز، زمانی که ناصرالدین میرزا ولیعهد بود انجام شده است. این دو دستگاه دوربین داگروتیپ یکی هدایی از طرف ملکه انگلیس و دیگری هدیه امپراتور روسیه بودند. در سال های آغازین پیدایش عکاسی در ایران برخی از اروپاییانی که در مشاغل گوناگون در استخدام دولت ایران بودند نیز به تجربیاتی اندک در این زمینه دست زدند. این افراد اغلب معلمان رشته های مختلف دارالفنون بودند که مدرسه های فنی برای تربیت افسران، مهندسان نظامی و غیر نظامی، پزشکان و مترجمان زبانهای خارجی به شمار می آمد و به دست امیرکبیر پایه ریزی و در سال ۱۸۵۰ م تأسیس شده بود عکاسان ایرانی نیز هم زمان با سال های اولیه پیدایش عکاسی در ایران دست به کار شدند و به تصویر جنبه های گوناگون زندگی مردم در دوران قاجار پرداختند. برای نمونه می توان به نامه های ریز اشاره کرد:

شاهزاده ملک قاسم میرزا که شاید نخستین عکاس ایرانی باشد، آقا رضا عکاس باشی، اولین عکاس حرفه ای و پرکار دربار ناصرالدین شاه که بسیاری از سفرها مراسم و جنبه های گوناگون دوران حکومت طولانی ناصرالدین شاه را ثبت کرده است. باید خاطر نشان ساخت که نمونه عکس های دوره محمدشاه را نباید با صنعت عکاسی مرسوم امروز یکی دانست، زیرا صنعت عکاسی (فتوگرافی) در سال ۱۲۶۵ هجری قمری ۱۸۴۹ میلادی اختراع شده است یعنی یک سال بعد از فوت آن پادشاه، و آنچه در عهد محمدشاه وجود داشت و ریشار خان عمل می کرد دستگاه داگروتیپ بود که در سال ۱۸۳۹ میلادی به وجود آمده بود. سرآغاز عکاسی در ایران، رویدادها و حرکت هایی را دربر دارد که گاه در نوع خود در جهان بی نظیر و برخی اوقات پیشرو حرکت های عکاسی در جهان است و از این لحاظ بسیار جای تامل و بررسی دارد.

### عکس برداری خارجیان از ایران



در همان دورانی که ایرانیان سرگرم آموختن عکاسی بودند، خارجی‌ان مقیم ایران و سیاحان، مشغول عکاسی از فضای شگفت‌انگیز پیرامونشان بودند. اولین مجموعه عکس از آثار تاریخی ایران توسط لوئیجی پشه (Luigi Pesce) سرهنگی از اهالی ناپل در سفر به ایران تهیه شد. ناصرالدین‌شاه بارها به وی لقب عکس‌بازی داد. نسخه دومی نیز از این مجموعه در همان سال تهیه و برای ویلیام اول، پادشاه پروس فرستاد شد. آلبوم دیگری نیز به موزه متروپولیتن نیویورک اهدا شده که شامل ۷۵ قطعه عکس است و احتمالاً همان آلبومی است که برای پادشاه پروس ارسال شده بود. این آلبوم دراصل متعلق به اردشیر میرزا، نوه فتحعلی شاه بود. اهدا کننده این آلبوم معتقد است که «پشه» یک از چندین عکاسی است که آثارشان در آن مجموعه گردد آمده‌است آلبوم متروپولیتن شامل موضوعات متعددی است. قدیمی ترین عکس‌های این آلبوم بین سال‌های ۱۸۵۲ (میلادی) تا ۱۸۵۵ م گرفته شده‌اند. سه پرتو از ناصرالدین‌شاه در جوانی و یک عکس گروهی در این مجموعه وجود دارد. بیشتر تصاویر این آلبوم نشان‌دهنده معماری آن روزگار است. عکس‌های وی سند تاریخی بی‌نظیری است که گویای وضعیت زندگی مردم و درباریان است. گرچه در این عکس‌ها زنان وجود ندارند، اما مردان طبقات مختلف اجتماع حضور مشخص دارند و سلسله مراتب اجتماعی آنها با چگونگی قرار گرفتن در تصویر کاملاً نشان داده شده‌است. عکس‌های او از مکان‌های تاریخی ایران در نمایشگاه جهانی هاریس سال ۱۸۶۷ م به نمایش درآمد و نشان افتخار دریافت کرد برجسته‌ترین و پرکارترین عکاس حرفه‌ای ایران در پایان قرن نوزدهم، آنتوان سوریوگین بود که سراسر ایران را زیر پا نهاد و از مردم، مناظر، معماری و اشیاء عکس‌های زیادی گرفت. عکس‌های وی در سفرنامه‌ها و داستان‌ها فراوان مورد استفاده قرار می‌گرفت بی‌آنکه نامی از وی برده شود. سوریوگین محیط خود را با دید همه جانبه‌ای تصویر می‌کرد. کارگاه وی در خیابان دولت در تهران قرار داشت و عکس‌هایش در نمایشگاه بروکسل در ۱۸۹۷ (میلادی) به کسب مدال طلا نایل شد. سوریوگین به کیفیت نور و تغییرات آن توجه خاص داشت و پیداست که اغلب عکس‌هایش را در اواسط روز می‌گرفته‌است. وی اغلب فرد یا گروهی را در زمینهٔ عکس‌هایش قرار می‌داد تا ضمن نشان دادن تاریخی بودن موضوع، مقیاس را نیز ببینند، القاء نماید. یکی از تکنیسین‌های عکاسخانه عبدالله میرزا بنام ایوانوف که برای خود اسم ایرانی روسی‌خان را انتخاب کرده بود، پس از سفر به روسیه، با یکی از شرکت‌های لوازم عکاسی برای تهیه شیشه، کاغذ و مقوای عکاسی قراردادی منعقد نمود و در خیابان علاءالدوله عکاسخانه‌ای دایر نمود. عکس‌های او همه مارک روسی‌خان دارند. در انقلاب مشروطه و چند سال بعد، این عکاس‌خانه مرکز آزادیخواهان و اغلب عکس‌های آن مربوط به بزرگان مشروطه و مهاجرت و غیره بوده‌است. این عکاسخانه تا سال ۱۲۹۹ هجری شمسی دایر بوده‌است. روسی‌خان با محمدعلیشاه به اروپا رفت و کارهای عکاسخانه توسط مهدی مصورالملک ادامه یافت و سپس تعطیل شد تصاویری که از ابنیه و عمارات آن دوران به جا مانده، برای مطالعات ایران عهد قاجار ارزشی مستند دارد و در ضمن اطلاعاتی از نظام حکومتی آن دوره را فراهم می‌کند.

دوره ناصری

دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه را باید دوره شکوفایی عکاسی در دوران قاجار یا ایران قرن نوزدهم میلادی دانست. او که خود اهل ذوق و هنر بود به عکاسی علاقمند گردید و بر توسعه این فعالیت در درون دربار همت گماشت. وی با تأسیس عکاسخانه کاخ گلستان و نیز تشویق و حمایت عکاسان، توانست تصاویر و یا به عبارتی اسناد هنری و تاریخی گرانبهایی از ایران آن روز را ثبت نماید.

ناصرالدین شاه در شمار اولین افراد از خانواده سلطنتی بود که پیش از بر تخت نشستن، تصویرش بر صفحه داگرتیپ ثبت شد. شاید همین موضوع، بعدها شیفتگی بیش از حد او به عکاسی و حمایت‌های گسترده او از این فن و هنر را در سالهای طولانی سلطنت را به دنبال آورد و زمینه‌ساز رواج گسترده عکاسی در ایران و کاربردهای گوناگون آن شد. خود او عکاس توانایی بود و نه تنها از افراد خانواده سلطنتی عکس می‌گرفت، بلکه چهره‌های بسیاری نیز از خود به جا گذاشته‌است. هرچند که فعالیت ناصرالدین شاه به درون دربار و تربیت عکاسان درباری محدود گردید ولی تأسیس رشته عکاسی در مدرسه دارالفنون، نشان از اهتمام او به این امر دارد. ناصرالدین شاه به عکاسی علاقمند شد و آن را نزد کارلیان فرا گرفت. از آن پس شاه برای

## تاریخچه عکاسی ایران

انجام کارهای عکاسی اش و احداث تاریخخانه برای ظهور، چاپ و تهیه شیشه‌های حساس، حیاط و عمارتی از ساختمانهای سلطنتی را به عکاسخانه دربار اختصاص داد و اینگونه بود که عکاسخانه مبارکه بنیاد یافت. یادداشتها و مدارک برجای مانده در کاخ گلستان، حاکی از آن است که ناصرالدین شاه با ظهور فیلم و چاپ عکس آشنا بوده و از طرفی دستخط و توضیحات وی در حاشیه بسیاری از عکسها و عبارت معروف «خودمان انداختیم» نشان از فعالیت عکاسی او دارد. شاه برای اینکه عکاسخانه مدیرمسئولی هم پیدا کند آقا رضا خان اقبال السلطنه پسر میرزا اسماعیل، پیشخدمت سلام و برادر علی نقی حکیم الممالک را که ازم حرمان نزدیکان شاه بود و بنا به امر شاه فن عکاسی را نزد کارلیان به خوبی یاد گرفته بود عکاسباشی و مدیر عکاسخانه مبارکه همایونی کرده، به این فن جدید صورت جدی و رسمی داد و از این پس از همه اردو کشی‌ها، بیلاقی‌ها، سفرها، مراسم سلام، اسب دوانی‌ها و شهرها و طبقات مختلف مردم و رجال عکس‌های فراوان متعدد گرفته در آلبومها قرارداد شد و در آلبوم خانه سلطنتی در کاخ گلستان در شمس‌العماره گرد آمد. آقارضا نخستین کسی است که به مقام عکاسباشی منصوب شد. از عکاسان دربار به جز او می‌توان از عبدالله میرزا قاجار نام برد. وی از دانش‌آموختگان دارالفنون بود و عکاسی را در فرانسه فرا گرفت. وی در آموزش عکاسی حرفه‌ای در ایران نقش مؤثری برعهده داشت تمایل شخص ناصرالدین شاه به عکاسی موجب شد تا عکسهای بسیاری به دست خود وی برداشته شود. موضوع اغلب این عکسها شخص وی، زنان حرمسرا، وقایع روزمره در کاخ سلطنتی و چهره برخی رجال درباری است. آن چه از یادداشت‌های شخصی ناصرالدین شاه بدست آمده نشانگر آن است که وی با روش‌های علمی و فنی عکاسی و طرز کار دوربین‌های مختلف آشنا بوده‌است و اغلب از دوربین‌های بزرگ با سه پایه استفاده می‌کرده‌است. قدیمی‌ترین عکس‌های ناصرالدین شاه عبارتست از پرتوهای که از خودش گرفته و پرتوهای تمام رخ از مادرش. حمایت او از عکاسی در ایران، موجب رشد و گسترش زمینه‌های گوناگون این فن و هنر در سالهای آغازین پیدایش آن شده‌است. به اختصار این زمینه‌ها عبارتند از:

زمینه پیدایش و رشد و گسترش عکاسی مستند و گزارش‌های تصویری از سراسر ایران

ترویج اصولی عکاسی و توجه به آموزش این فن به صورت رسمی در دارالفنون

ایجاد عکاسخانه سلطنتی و فراهم آمدن تعداد بسیاری عکس از جنبه‌های گوناگون زندگی و معیشت در عصر قاجار

پایه‌گذاری نوشتن شرح بر عکسها

توجه به رشد و گسترش دانش نظری و فنی عکاسی و تالیف و چاپ کتاب‌های مربوط به آن

توسعه عکاسی در میان درباریان و خانواده‌های اشراف

ابداع لقب عکاسباشی به عنوان عالیترین رتبه فنی در این حرفه

اعزام برخی محصلان مستعد دارالفنون به اروپا، برای کسب مهارت‌های فنی و هنری در این زمینه

بی شک، با بررسی همه جانبه عکس‌های باقی مانده از این زمان، می‌توان برتری ناب بودن زمینه‌های تصویری این هنر در دوران قاجار را دریافت. زیرا عکاسان ایرانی در سالهای نخستین، بدون تقلید است زمینه‌هایی همچون نقاشی غربی و معیارهای زیبا شناختی حاکم بر آن و تنها با رویارویی مستقیم با موضوعات، اقدام به عکسبرداری از آنها می‌کردند. نگاه خالص و بدون صحنه‌آرایی‌های معمول در عکس‌های این سال‌ها را می‌توان به روشنی دریافت. کیفیت این امر در سالهای بعد، با گسترش ارتباط با غرب و تقلید از شیوه کار عکاسان اروپایی، رو به افول گذارد. تاثیر عکاسی بر کار نقاشان دوره قاجار نیز آشکار است. در نگاره‌هایی که خانزاد اسماعیل از ناصرالدین شاه کشیده، شاه با همان کتی نشان داده شده که در عکسی از همان دوره دیده می‌شود

**عکاسان دوره قاجار را سه دسته تشکیل می‌دادند:**

عکاسانی که برای مؤسسات کاوش‌های علمی و جغرافیایی اروپایی کار می‌کردند

عکاسان بومی که برای سرگرمی به عکاسی می‌پرداختند

عکاسان حرفه‌ای که از این راه امرار معاش می‌کردند

## تاریخچه عکاسی ایران

مبنای کار نخستین عکاسان اروپایی توجه به فرم و اصول زیباشناختی بود اما عکاسان ایرانی، اروپائیان را سرمشق خود قرار می‌دادند. آنچه از روی آثار و نوشته‌های دوران قاجار به دست آمده نشان می‌دهد که ایران در اواخر قرن نوزدهم در حال دگرگونی بوده‌است و جامعه سنتی ایران در تلاش برای انطباق خود با علوم و فنون و اندیشه‌های غرب به سر می‌برده‌است.

### دوره مظفردین شاه و انقلاب مشروطه

از اوایل سلطنت مظفردین شاه در ۱۳۱۴ قمری عبدالله میرزا در بالاخانه‌های دارالفنون عکاسخانه‌ای دایر نمود و فن عکاسی را متداول کرد. بسیاری از عکاس‌های بعدی از شاگردان وی بوده‌اند. این عکاسخانه تا اوایل مشروطیت دایر بود و عکاس دیگری کارهای عکاسی درباری را انجام می‌داد، بنام میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی که از خدمتگزاران دربار مظفردین شاه بوده‌است. معروف است که مظفردین شاه سخت شیفته عکاسی بود و خود عکاس آماتور بوده‌است. از شاگردان عبدالله میرزا دو نفر دیگر بنام «ماشاله خان» و «خادم» در اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی، عکاسخانه‌های دیگری برپا کردند که هر دو در خیابان ناصریه بود، که عکس‌های ارزان‌تری می‌انداختند. با آغاز جنبش مشروطیت مردم تمایل داشتند چهره رهبران خود را مشاهده نمایند و رواج این‌گونه عکس‌ها مصداق این تمایل است. به تدریج ثبت چهره‌های معروف گسترش یافت. و با ایجاد تحولات مختلف، عکس از انحصار دربار خارج شد و موضوعات اجتماعی و واقعی موضوع عکاسی قرار گرفت. با تحولات جنبش مشروطیت زمینه برای عکاسی مطبوعاتی فراهم شد.

### دوران پهلوی اول

از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ هـ ش مطبوعات که سرآغاز فعالیت آنها از جنبش مشروطیت شروع شده بود فعالیت وسیع‌تری یافتند و کاربرد عکس بیشتر شد و تحولات اساسی در عکس‌ها ظاهر شد. عکس‌های این دوران بسیار برجسته و متفاوت است.

### دوران پهلوی دوم

این دوره، دوران ورود همه جانبه فنون و تجهیزات غربی به ایران و روی‌آوری هنرمندان به شیوه‌های مدرن غربی بود. در این دوران با پیشرفت تجهیزات عکاسی و گسترش فعالیت مطبوعات، عکس به عنصری مهم و تأثیرگذار بدل گشت. عکاسی مطبوعاتی که کمابیش رونقی داشت با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش دوباره دچار رکود و رخوت شد و عکاسی در حاشیه قرار گرفت. عکس‌های دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی بیشتر جنبه تبلیغاتی و رسمی داشتند. در اواخر ده ۴۰ به دلیل ظهور و گسترش گرایش‌های هنری و پیچیده شدن مبارزات سیاسی، به تدریج فضای جدیدی بوجود آمد که عکاسی را نیز متأثر ساخت